اخبار

سفر دکتر پزشکیان به تاجیکستان

فصلی نوین در تقویت روابط دوجانبه

خبرگزاری آسیا پلاس در گزارشی به سفر پیش روی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به تاجیکستان اشاره و تاکید کرد که این سفر فرصتی برای گشودن فصل جدیدی در روابط تهران و دوشنبه خواهد بود.

به گزارش روز سه‌شنبه ایرنا از خبرگزاری آسیا پلاس، دکتر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران قرار است در نیمه دوم ماه دی جاری برای دیدار با امامعلی رحمان همتای تاجیکستانی خود به دوشنبه سفر کند؛ سفری که می‌تواند فرصتی برای تقویت روابط دوجانبه و گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف به ارمغان بیاورد.

این رسانه‌تاجیکستانی با اشاره به اینکه روابط تهران و دوشنبه در سال‌های اخیر به طرز چشمگیری بهبود یافته است، افزود: از زمان روی کار آمدن دولت شهید آیت الله ابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۰ همکاری‌ها میان دو کشور افزایش یافت.

آسیا پلاس خاطرنشان کرد که سفر پیش‌روی دکتر پزشکیان به تاجیکستان، بدون شک گامی موثر در تحکیم و گسترش روابط دوجانبه است و می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های گسترده‌تر در آینده باشد.

این گزارش تاکید دارد که این سفر بازتاب‌دهنده اراده هر دو کشور برای تقویت روابط در حوزه‌های مختلف و دستیابی به دستاوردهای بیشتر در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است.

آسیا پلاس در این گزارش اضافه می کند: پیشرفت‌های قابل توجهی در پروژه تاسیس مدرسه بین‌المللی «رودکی» در دوشنبه مشاهده می‌شود. این طرح که با چالش‌هایی در زمینه مالکیت، محتوای آموزشی و مدیریت مواجه است، پیش‌بینی می‌شود با همکاری مقام‌های ایرانی به زودی به نتیجه مطلوب برسد.

براساس گزارش وزارت امور خارجه تاجیکستان، در سفر یادشده علاوه بر دیدار سران دو کشور، چندین نشست و امضای اسناد مختلف نیز در دستور کار قرار دارد.

همچنین هیاتی بلندپایه از تجار و پزشکان ایرانی که در طول این سفر همراه دکتر پزشکیان هستند، قرار است با همتایان تاجیکستانی خود دیدار و نشست‌های مختلفی برگزار کنند.

بر اساس این گزارش، علاوه بر این، ایجاد کمیته همکاری مشترک میان دو کشور و راه‌اندازی پروازهای مستقیم بین دوشنبه و شیراز نیز در دستور کار قرار دارد.

آخرین وضعیت «پول‌های بلوکه شده ایران» از زبان عراقچی

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت: حل موضوع پول‌های بلوکه شده ایران در دیگر کشورها به صورت مستمر در دستور کار وزارت خارجه و دیگر نهادهای مربوطه است.

به گزارش ایسنا، «سید عباس عراقچی» در جمع خبرنگاران اظهار کرد: اداره روابط اقتصادی خارجی کشور در شرایط تحریمی و فشار خارجی خود یک فن ویژه است که الحمدلله ما در آن استاد شده‌ایم.

وی افزود: این موضوع اقتضا می‌کند که جلسات مستمر و هماهنگی در این ارتباط از جمله شورای روابط اقتصادی خارجی برگزار شود و ابتکارات جدید وجود داشته باشد.

وزیر خارجه گفت: یکی از مسائل در این زمینه بحث پول‌های بلوکه شده است که پیگیری این موضوع به صورت مستمر در دستور کار وزارت خارجه و دیگر نهادهای مربوطه است .

عراقچی خاطرنشان کرد: این تلاش‌ها منجر شده که مقداری از این پول‌ها آزاد شود و مقدار دیگری وجود دارد که پیگیری آنها در دستور کار ماست و ما همیشه آن را دنبال کرده‌ایم .

آیا ترکیه به یک بازیگر مهم منطقه تبدیل می‌شود؟

جاه طلبی های تاریخی اردوغان

گروه بین الملل - «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه، معتقد است که با پایان حکومت بشار اسد در سوریه، ترکیه به قدرتی مسلط در خاورمیانه تبدیل شده و نفوذ بی‌سابقه‌ای را در تحولات منطقه‌ای به‌دست آورده است. او این دیدگاه را صریحاً و بدون پرده‌پوشی بیان کرده است. اردوغان به‌تازگی در اظهاراتی جاه‌طلبانه مدعی شد که «چشم‌انداز و مأموریت بزرگ» ترکیه مانع از آن می‌شود که این کشور به مرزهای جغرافیایی فعلی محدود بماند. در همین راستا، «بلال اردوغان» فرزند او، تجمع‌هایی با شعارهایی همچون «دیروز ایاصوفیه، امروز مسجد اموی (دمشق)، فردا مسجدالاقصی (قدس)» برگزار می‌کند. او در این تجمعات تأکید کرده که همان‌گونه که اسد سقوط کرد، رژیم «نازی و نسل‌کش اسرائیل» نیز سرنگون خواهد شد.

اردوغان تلاش می کند قدرت کشورش را در مناطق پیرامونی افزایش دهد. این مساله باعث می‌شود که همسایگان این کشور و قدرت های منطقه ای احساس خطر کنند

در روزهای گذشته ترکیه بر روی ترانزیت ایران افزایش مالیات اعمال کرد. تعرفه‌ای که فقط درباره ایران اجرا شد.

رحمن قهرمان پور در گفتگو با خبرآنلاین به تشریح این موضوع پرداخته است که در ادامه می خوانید:

● به نظر میرسد اقدامات ترکیه در منطقه، یک مسیر تهاجمی را علیه تهران در پیش گرفته است. از سقوط بشار اسد تا اقدام تازه ترکیه درباره افزایش مالیات بر ترانزیت ایران ، قبل‌تر نیز مساله سدسازی های اخیر در شمال غربی کشور و الی آخر... اردوغان در مقابل ایران به دنبال چیست؟

◄ برای این که رفتار سیاست خارجی ترکیه را درک کنیم ما به یک چارچوب تحلیلی نیاز داریم. به نظرم چارچوبی که می تواند اقدامات ترکیه را تحلیل کند مفهومی است که به آن قدرت‌های نوظهور بین‌المللی می گویند. یعنی ترکیه خودش را یک قدرت نوظهور بین المللی و هم ردیف کشورهایی مثل برزیل، افریقای جنوبی و اندونزی تعریف می کند. کشورهایی که تلاش می کنند نوعی استقلال استراتژیک در رقابت میان قدرت های بزرگ داشته باشند و بسته به موقعیت جغرافیایی که دارند موقعیت‌شان را در مناطق پیرامونی خودشان افزایش بدهند.

با توجه به اینکه ترکیه عضو ناتو و دارای یک ارتش بزرگ و قدرتمند است که در مجموعه امنیتی غرب تعریف شده، تلاش کرده که نفوذ خود را در مناطق پیرامونی کشورش افزایش دهد. اردوغان تلاش کرده که در خاورمیانه، مدیترانه، قفقاز و شمال افریقا نفوذ خود را افزایش دهد. این کشور حتی نیم نگاهی هم به افزایش حضور خود در خلیج فارس و جنوب اسیا دارد. در سیاست بین‌الملل وقتی یک بازیگر، قدرت خود را افزایش می‌دهد، منجر به کاهش قدرت بازیگران دیگر می‌شود و توازن قوا را در آن منطقه به هم می‌زند.

ایران،عربستان و اسرائیل از ترکیه احساس خطر می‌کنند

اقداماتی که از ترکیه در سوال خود مطرح کردید؛ همه در راستای هم نیستند و ارتباطی هم به یکدیگر ندارند. اقدام ترکیه در سوریه با افزایش مالیات بر ترانزیت ایران قابل مقایسه نیست یا سدسازی قدیمی است. ولی اگر بخواهیم یک مفهوم مشترک به معنای یک نخ تسبیح درباره این اقدامات پیدا کنیم، آن مفهوم؛ تلاش ترکیه برای حفظ و ارتقای جایگاه خودش برای یک قدرت نو ظهور بین‌المللی است. اردوغان تلاش می کند قدرت کشورش را در مناطق پیرامونی افزایش دهد. این مساله باعث می‌شود که همسایگان این کشور و قدرت های منطقه ای احساس خطر کنند. در این مورد تنها ایران نیست که از جانب ترکیه احساس نگرانی می‌کند بلکه حتی مصر، عربستان و اسرائیل هم نگران تغییر موازنه قوا در منطقه به نفع سوریه هستند.

● ایران چه راهبردی را باید در مقابل ترکیه تدبیر کند؟

◄ تاریخ وسوابق دو کشور نشان می دهد که این دو بازیگر مهم منطقه به‌رغم اختلافات و بحران‌هایی که در روابطشان داشتند، همیشه تلاش کرده‌اند که تنش‌ها را میان خودشان مدیریت کنند تا منجر به درگیری جدی نشود. الگویی که در ۴۰ سال اخیر در روابط دو کشور دیده‌ایم؛ چه در زمانی که دولت ترکیه در دهه ۱۹۸۱ که یک دولت نظامی سکولار بود و با ماهیت جمهوری اسلامی ایران اختلاف داشت، چه در زمانی که اردوغان با حزب عدالت و توسعه در قدرت بوده است.

همیشه دو کشور بر اساس اصل همجواری، سعی کرده‌اند که تنش‌ها از حدی فراتر نرود. ولی متاسفانه نتوانستند فرمولی برای گسترش روابط و تقویت آن بر اساس روابط استراتژیک پیدا کنند. بر اساس همین اصل همجواری استراتژیک مراعات هم را داشتند. همین اصل، یعنی نزدیکی جغرافیایی، خود به نوعی عامل اختلاف میان دو کشور هم بوده است.

مضاف براینکه در سال‌های اخیر یک نگاه به گذشته و رفتار تمدنی در سیاست خارجی ترکیه و ایران دیده می‌شود که تاکید بر گذشته دارد. این مدل رفتار هم در ایران و هم ترکیه شیوع داشته است. علاوه بر جغرافیا، مسائل تاریخی هم مانعی در گسترش روابط دو کشور شده است. لذا ایران باید همچنان به کنترل تنش ادامه دهد. در جاهایی که می تواند با ترکیه همکاری کند و در جاهایی که اختلاف دارد سعی کند اختلاف را بر اساس اصل تنش مدیریت پیش ببرد.

● تحلیلگران منطقه‌ای می گویند که ترکیه یک قدرت بلامنازع منطقه‌ای شده ولی شما می‌گویید قدرت بین‌المللی؟

◄ همانطور که بالاتر اشاره کردم؛ شاید در سال ۲۰۰۰ می‌شد بگوییم که ترکیه یک قدرت منطقه‌ای است. اما در ده سال گذشته مخصوصا بعد از ۲۰۱۶ رفتارهایی نشان داده که این کشور را می‌توان در زمره قدرت‌های نوظهور بین المللی دسته‌بندی کرد. الان تحلیلگران روابط بین‌الملل، ترکیه را همراه با برزیل، اندونزی، آفریقای جنوبی، مکزیک و کره جنوبی و جزء قدرت‌های نوظهور می‌دانند البته معنای این حرف این نیست که ترکیه چالشی در سیاست خارجی پیش رو نداشته بلکه به این معناست که ترکیه اساسا با سیاست خارجی خود، قدرت نوظهور خود را تثبیت کرده است.

نگاه ترکیه تنها به خاورمیانه نیست بلکه فراتر از منطقه عمل می‌کند

به این معنا که نگاه ترکیه محدود به خاورمیانه نیست. بلکه خود را یک بازیگر بین المللی تعریف می کند که فراتر از منطقه عمل می‌کند. قدرتی که توان عملیاتی نفوذ و حضور در کشورها و پیرامون خود را دارد و حتی دخالت نظامی در مناطق پیرامونی کشورش را هم انجام می دهد مانند؛ عراق، سوریه، لیبی و قفقاز. بنابراین بحث این است که ترکیه در این چارچوب جدید خود را صرفا محدود به خاورمیانه نمی‌داند. ولی او هم مانند سایر بازیگران می‌داند که در خاورمیانه با محدودیت هایی از جمله محدودیت قدرت ایران و عربستان و سایر بازیگران منطقه ای مواجه است.

● برخی از تحلیلگران خاورمیانه در داخل کشورمان معتقد هستند که روسیه و ترکیه پشت پرده ایران را دور زده اند. به طوری که اخرین نشست سه جانبه برای حل بحران سوریه در دوحه دو کشور به توافق رسیدند و فردای نشست سه جانبه بشار اسد سقوط کرد و به مسکو رفت! این تحلیل و نظریه چقدر محتمل است؟ آیا مسکو و آنکارا بر سر بشار و سوریه به توافق رسیده‌اند؟ و اگر توافقی بوده تهران تا این اندازه از آن بی خبر بوده است؟

◄ به نظرم با یک نتیجه‌گیری قطعی درباره اینکه چرا بشاراسد سقوط کرد؟ فاصله داریم! ولی ان چیزی که واضح است؛ گروه تحریرالشام از ادلب حرکت کرد و تصور می‌شد که در حلب متوقف خواهند شد. ولی وقتی متوجه شدند که پیشروی اسان است! به حمص و پس از آن به دمشق هم حرکت کردند. بعد از تصرف حلب بود که مطرح شد؛ ترکیه به ایران و روسیه تعهد داده است که معارضان سوری را که تحت حمایت او هستند کنترل کند که در عمل این‌گونه نشد.

در نشست دوحه این طور نبود که توافق بین مسکو و آنکارا علیه تهران بوده است!

طبیعتا اگر اراده مسکو بر این بود که حکومت بشاراسد حفظ شود، ترکیه نمی‌توانست از گروه‌های معارض پشتیبانی کند. در این صحنه ترکیه تنها نبوده است؛ آمریکا، امارات و قطر نیز نقش داشتند.

بنابراین نمی توان درباره توافق اینگونه صحبت و تحلیل کرد. این طور نبوده است که این توافق بین مسکو و آنکارا علیه تهران بوده است! انچه معلوم و مشهود است؛ هر سه بازیگر حاضر در نشست سوریه در دوحه، از میزان پیش‌روی نیروهای معارض و بی انگیزه بودن ضعف نظامیان ارتش سوریه، غافلگیر شده‌اند که مهمترین عنصر در وضعیت سوریه همین مساله بود.

وضعیت ایران محاصره‌گونه نیست

حالا در بر روی پاشنه ترکیه است و شمال کشورمان نیز در نفوذ این کشور است. از سوی شرق فشار طالبان و مهاجران غیر قانونی به ایران، از سوی غرب عراق در حال جداشدن از ایران. جنوب هم که از دیرباز نسبت به ایران حس خوبی نداشته اند. راه خلاصی از این وضعیت به ظاهر محاصره گونه ایران را در چه راهکاری می توان جستجو کرد؟

من وضعیت ایران را محاصر گونه نمی‌بینم. تهدیدات برای کشورمان وجود دارد. اما همه از یک جنس نیستند. نمی‌توان با یک نظریه توطئه گفت که پشت همه این تهدیدها امریکا، عربستان یا ترکیه است. منطقه خاورمیانه از نظر امنیتی اسیب پذیر است و متاسفانه فاقد سازمان‌های منطقه‌ای قوی و کارامد برای مدیریت تعارضات و تنش‌ها است. لذا این تعارضات، اول؛ جنس یکسان و واحدی ندارند، دوم؛ در زمان واحدی شکل نگرفتند و سوم؛ نشان دهنده این است که منطقه همچنان آسیب‌پذیر است.

ایران با قدرت های بزرگ حاضر در خاورمیانه هم تصمیم‌های جدیدی اتخاذ کند و تصمیم مهم را بگیرد

حالا ایران در این وضعیت باید چه کند؟ باید تصمیم های مهم را بگیرد و سیاست منطقه‌ای خود را در شرایط نوین بازنگری کند. برخی از این تنش‌ها مشکلات دوجانبه ما با همسایگان است و برخی از مشکلات نیز ناشی از حضور قدرت های خارجی در خلیج فارس است. مساله منطقه صرفا از طریق تنش زدایی با کشورهای همسایه شاید ممکن نباشد بلکه لازم است ایران با قدرت های بزرگ حاضر در منطقه خاورمیانه هم تصمیم های جدیدی اتخاذ کند.

ممکن است سیاست خارجی امریکا درمنطقه قربانی مطامع اسرائیل شود

حال با این وضعیت منطقه؛ کمتر از دو هفته دیگر ، ترامپ رسما قدرت را به دست خواهد گرفت. ارزیابی شما چیست؟ چه اتفاقاتی را می توان پیش بینی کرد؟ و ایران چه راهبردی را اتخاذ کند؟

ترامپ خیلی علاقه به گرفتار شدن و درگیری در خاورمیانه ندارد. این مساله هم فرصت و هم تهدید است. فرصت به این معنا که شاید فضا برای بازیگران منطقه‌ای فراهم شود. تهدید به این معنا که چون اسرائیل نفوذ و لابی قدرتمندی در امریکا دارد، ممکن است سیاست خاورمیانه امریکا را بر اساس تل‌اویو تنظیم کند. این مساله موجب نگرانی کشورهای منطقه است به این دلیل که مبادا ترامپ بخواهد بر اساس منافع تل‌آویو و روابط شخصی خود با نتانیاهو، همچنین نفوذ لابی اسرائیل در عرصه کلان سیاسی ایالات متحده، سبب شود که سیاست خارجی امریکا را درمنطقه قربانی مطامع اسرائیل کند.

سیاست انزواگرایانه ترامپ هم فرصت است و هم تهدید

اینکه حالا ما در مقابل ترامپ چه باید بکنیم یک بحث گسترده است مجال آن نیست و در دو خط نمی توان تحلیل کرد بسیار پیچیده است تنش ما با آمریکا یک مساله ۴۵ ساله است. فقط مساله شخص ترامپ و رویکرد او نیست. در ذات سیاست خارجی ایالات متحده است. بنابراین انتظار نداریم که با امدن ترامپ شرایط ۱۸۰ درجه تغییر کند! و تشخیص دهیم که خوب می‌شود یا بد می‌شود؟!

آن‌چیزی که مشخص است ترامپ یک رویکرد انزوا گرایانه را در سیاست خارجی پیش می برد. که ترجمه این رویکرد انزواگرایانه آن کاهش حضور نظامی امریکا در منطقه خاورمیانه است. که این هم می‌تواند فرصت و تهدید باشد.فرصت در آن است که قدرت مانور و بازیگری ما را افزایش دهد. تهدید در این است که فضایی که بعد از ۷ اکتبر به وجود آمد شرایط منطقه را به سمت تنش بیشتر پیش ببرد که این اتفاق در یک سال گذشته افتاده است.

سیاست امریکا بیشتر به ضرر ایران بوده است

مشخصا می خواهم بگویم که این سیاست امریکا بیشتر به ضرر ایران بوده است. بنابراین ایران باید یک بازبینی جدی در رویکرد خود به منطقه و بازیگرانی که در منطقه هستند داشته باشد. جمهوری اسلامی باید سیاست خارجی خود را متناسب با شرایط جدید منطقه‌ای و سیاست امریکا تنظیم کند. طبیعتا مذاکره با امریکا یکی از گزینه‌های مطرح است. گزینه دیگر اینکه ایران بتواند قدرت منطقه‌ای خود را بازسازی کند که درباره این گزینه هم که برخی در داخل از تغییر دکترین دفاعی و نظامی سخن می‌گویند باید ببینیم که نظام تصمیم گیرنده ایران کدام گزینه را در اولویت قرار خواهد داد.

اخبار

تلاش فرانسه برای گره زدن آینده تحریم‌ها به آزادی زندانیان خود در ایران

وزیر امور خارجه فرانسه با مطرح کردن ادعاهایی درباره بازداشت سه تن از شهروندان این کشور در ایران، در اظهاراتی تهدید آمیز، گفت که آینده لغو تحریم‌های ایران و روابط دوجانبه با آن منوط به آزادی این زندانیان خواهد بود.

به گزارش ایسنا، «ژان نوئل بارو» روز(سه‌شنبه) با مطرح کردن ادعاهایی علیه بازداشت سه شهروند این کشور در ایران به دلیل مطرح بودن اتهامات جاسوسی علیه آن‌ها، گفت که روابط آتی با ایران و لغو تحریم‌ها علیه آن به سرنوشت آن‌ها بستگی خواهد داشت.

شبکه العربیه با انتشار این مطلب گزارش داد که بارو در نشستی خبری با سفرای فرانسوی در این باره مدعی شد: وضعیت هم‌میهنان ما که در ایران گروگان گرفته‌شده‌اند، واقعا غیرقابل قبول است؛ آن‌ها چند سال است که به‌ناحق در بازداشت و شرایط دون شانی به سر می‌برند. بارو بدون ارائه شواهدی مدعی شد که شرایط «برخی از آن‌ها، ذیل قوانین بین‌المللی، در تعریف شکنجه می‌گنجد.»

او در اظهاراتی تهدیدآمیز درباره لغو تحریم‌هایی که با انگیزه‌های سیاسی علیه ایران اعمال شده، ضمن درخواست آزادی شهروندان زندانی این کشور در ایران، گفت: روابط دوجانبه ما و آینده تحریم‌ها به این موضوع بستگی دارد. او با درخواست از شهروندان فرانسوی برای خودداری از سفر به ایران تا زمان «آزادی کامل» زندانیان فرانسوی از ایران، مدعی شد که شرایط این زندانیان از زمان پیروزی «مسعود پزشکیان» رئیس جمهور ایران در انتخابات این کشور و به‌رغم تلاش‌های پاریس در عالی‌ترین سطح، «بدتر شده است.»

نظامیان صهیونیست در چنگ عدالت، این بار در آرژانتین

یک رسانه صهیونیستی از شکایت علیه یک نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در آرژانتین به دلیل ارتکاب جنایت در نوار غزه خبر داد.

به گزارش ایسنا، پیش از این سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داده بود حدود ۵۰ شکایت علیه سربازان ذخیره در ارتش رژیم صهیونیستی در خارج ارائه شده و تحقیقاتی در ۱۰ کشور باز شده اما تاکنون هیچ سربازی بازداشت نشده است.

در تازه‌ترین مورد، روزنامه «اسرائیل هیوم» در این باره نوشت: بعد از اتفاق برزیل یک شکایت دیگر علیه یک سرباز اسرائیلی در آرژانتین مطرح شده است.

طبق این گزارش، این سرباز متهم به ارتکاب جنایت جنگی در نوار غزه شده است.

این رسانه گزارش داد: نگرانی‌های فوری یا صریحی در کشورهای دوست اسرائیل درباره دستورات بازداشت جمعی وجود ندارد. تاکنون دستورات رسمی برای ممانعت از سفر به کشورهای مشخصی صادر نشده است.

این رسانه تاکید کرد: با موارد فردی به صورت خاص تعامل می‌شود؛ مثل سربازانی که تابعیت دومی دارند به ویژه برای کشورهایی مثل آفریقای جنوبی یا مواردی که داده‌های اطلاعاتی موجود است که به هدف قرار دادن شخص مشخصی اشاره دارد.

رسانه‌های عبری پیش از این اعلام کردند یک سرباز تحت تعقیب اسرائیلی در برزیل توانست قبل از بازداشت آنجا را ترک کند.

مقامات قضایی در برزیل دستور فوری را به پلیس برای بازداشت این سرباز اسرائیلی و بازجویی از وی به دلیل ارتکاب جنایت‌های جنگی علیه مردم غزه بنا بر شکایتی که یک موسسه حقوقی ارائه کرده بود، صادر کردند.

در این راستا روزنامه هاآرتص گزارش داد ارتش رژیم صهیونیستی به سربازان ذخیره در خارج نسبت به احتمال بازداشتشان به دلیل مشارکت در جنگ غزه هشدار داده است.

ارتش اشغالگر صهیونیستی از زمان حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، به جنگ نسل‌کشی غزه مبادرت ورزیده است که به شهادت بیش از ۴۵ هزار و ۸۰۰ تن که اکثرا زنان و کودکان بودند، منجر شده است؛ آن هم با وجود قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که خواستار آتش‌بس فوری شده بود.

در ماه نوامبر، دادگاه کیفری بین‌المللی (آی‌سی‌سی) حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و یوآو گالانت، وزیر جنگ سابق این رژیم را به دلیل جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در غزه صادر کرد. تل‌آویو همچنین با یک پرونده نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل جنگ مرگبار خود در این منطقه تحت‌محاصره مواجه است.

پای ترامپ در میان است؟

پشت پرده استعفای ترودو

استعفای «جاستین ترودو» از مقام نخست‌وزیری کانادا باعث ایجاد مبارزه‌ای می‌شود که براساس آن، برخی چهره‌های بسیار برجسته حزب «لیبرال» کانادا برای تصاحب قدرت به رقابت خواهند پرداخت.

«جاستین ترودو» نخست وزیر کانادا با توجه به فشارهای ناشی از نارضایتی‌های داخلی کشورش و همچنین تحت فشار قرار گرفتن از سوی حزب لیبرال از رهبری این حزب استعفا کرد.

طبق گزارش منابع خبری در کانادا، نخست‌وزیر این کشور با فشار حزب خود و نظرسنجی‌های ناامیدکننده افکار عمومی مواجه بوده که این مساله موجب استعفای او شده است.

«ترودو» پس از ۱۲ سال رهبری حزب حاکم لیبرال، روز دوشنبه اعلام کرد که از مقام نخست‌وزیری کناره‌گیری می‌کند؛ اقدامی که وضعیت این کشور را بیش از پیش وارد بحران‌های سیاسی و اقتصادی خواهد کرد و همزمان با روی کار آمدن «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور منتخب آمریکا و لفاظی‌های اخیر او علیه نخست‌وزیر مستعفی کانادا، وضعیت آتی این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد.

جاستین ترودو همچنین گفت که حزب لیبرال، جانشین او را از طریق رای‌گیری میان اعضای این حزب که بخش نسبتا کمی از جمعیت کانادا هستند، انتخاب خواهد کرد. در حالی‌که هنوز هیچ‌کسی نامزدی خود را برای جانشینی ترودو اعلام نکرده، اما با این حال نام چند تن از رقبای احتمالی به میان آورده شده است.

«عبدالرضا فرجی‌راد» در گفت‌وگو با ایسنا در تحلیل خود از کناره‌گیری نخست‌وزیر کانادا اظهار داشت: ترودو نخست وزیر کانادا حدودا ۹ سال پست نخست‌وزیری را به عهده داشت و تقریبا در جایگاه خود موفق بود، اما این اواخر سیاست‌های اقتصادی‌ای را اتخاذ کرد که موجب شد مردم تحت فشار قرار گیرند. البته تمام مشکلات اقتصادی مربوط به سیاست‌ها نبود و مسائل خارجی نیز تاثیرگذار بود.

وی افزود: همان‌طور که اروپا دچار بحران اقتصادی مانند انرژی و همچنین شرایط متاثر از کرونا شد، کانادا هم طبیعتا تحت تاثیر قرار گرفت و این مسائل اعتراض‌ها و نگرانی‌های داخلی را ایجاد کرد و زندگی مردم سخت شد. افزایش قیمت مسکن و یا اجاره بها، همچنین افزایش مالیات‌ها بحران‌هایی را در داخل کانادا ایجاد کرد و این عوامل سبب شد تا حزب مخالف از این فرصت علیه ترودو استفاده کند.

این استاد ژئوپلیتیک دانشگاه همچنین بیان کرد: از سوی دیگر اعضای حزب لیبرال یعنی حزب ترودو در پارلمان کانادا نسبت به این شرایط اعتراض کردند و خواهان استعفای او شدند. با این شرایط ترودو احساس کرد قبل از این‌که او را کنار بگذارند خودش از قدرت کناره‌گیری کند از این رو ابتدا از ریاست حزب کنار رفت تا پس از آن نیز از نخست وزیری کنار رود.

فرجی‌راد یادآور شد: طی هشت یا ۹ ماه آینده در کانادا انتخابات برگزار می‌شود و نخست‌وزیر بعدی نیز به احتمال زیاد از همین حزب لیبرال خواهد بود. همچنین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد حزب لیبرال پیروز انتخابات است. این مساله می‌تواند یکی از دلایل اصلی استعفای ترودو باشد.

ترودو احساس کرد با آمدن ترامپ مشکلات کانادا و نارضایتی مردم بیش‌تر خواهد شد

دیپلمات پیشین کشورمان در ادامه اظهار کرد: علاوه بر این با آمدن ترامپ همان طور که در دوره قبلی ریاست جمهوری او، کانادا بدون مشکل نبود، افزایش تعرفه‌ها و ... به نحوی مورد اعتراض قرار داشت. در این دوره نیز چنین مسائلی احتمالا وجود دارد.

وی خاطرنشان کرد: تمام این شرایط موجب شد تا ترودو احساس کند که با آمدن ترامپ مشکلات کانادا و نارضایتی مردم بیش‌تر خواهد شد و به همین دلیل تصمیم گرفت تا زودتر کناره‌گیری کند.

این استاد دانشگاه همچنین گفت: جانشین ترودو که از حزب لیبرال است فردی تندرو بوده و حتی در سیاست خارجی‌اش نسبت به ایران چنین عنوان کرده که حمله اسرائیل به ایران در واقع کمک به بشریت است، حتی نخست‌وزیری که قبل از ترودو در قدرت قرار داشت فردی تندرو بود که با اسرائیل روابط بسیار خوبی داشته و حتی روابط ما با کانادا قطع شد . لذا پیش‌بینی می‌شود نخست‌وزیر بعد از ترودو سیاست‌های تندروتری را در پیش گیرد.